

## سیاست ایران و انگلیس

یک نگاه تاریخی

ترجمه ع.الله قرامری

(۲)

قضیه سیستان اولین مسئله بود که بعد از قرارداد پاریس موضوع اختلاف ایران و انگلیس گردید. این منطقه اول جزو ایران و بعد جزو افغان گردید و بار دیگر بتصرف ایران درآمد در سنه ۱۸۶۱-۱۸۶۳ ایران از انگلیس درخواست کرد که برای حفظ سیستان از تجاوزات افغانها وساطت کند و دولت انگلیس جواب داد که چون من اعتراف ندارم که سیستان مال ایران است نمیتوانم وساطت کنم. بنابراین کار ایران و افغان بجنک کشید و آن وقت دولت انگلیس پیشنهاد کرد که بموجب ماده ششم قرارداد پاریس قضیه بحکمت ارجاع شود پس سال ۱۸۶۲ کمیونی بریاست فردریک گولاسمیت تشکیل یافت و از بندرعباس حرکت نمودند. فرمانده هولک نماینده لورد مایو نایب السلطنه هند و دکتر بلالو مستشرق معروف نیز در سیستان با ایشان رسیدند.

این کمیون سیستان را بدو قسمت کرد. یکی سیستان حقیقی و آنرا بایران واگذار نمود و دیگری سیستان خارجی و آنرا با افغان داد و سیستان خارجی عبارت از یک قطعه زمین است که برابر رود هیرمند واقع گردیده است. از سال ۱۸۹۱ مجرای این رود شروع بتغییر نمود و باین واسطه بتاریخ ۱۹۰۲-۱۹۰۵ کمیون دیگری بریاست سرهنری مکمهون برای حل این مسئله تشکیل یافت.

در سال ۱۸۷۱ شاه میرزا حسین خان را که سفیر اسلامبول بود بریاست وزراء انتخاب نمود و نقشه مشارالیه این بود که قرارداد ایران و روسیه را محترم شمرده و امور مربوطه بترقی مملکت را بانگلیس واگذار کند و برای اجرای این مقصود خواسته یک انحصار وسیعی را ایجاد نماید و بامنافع آن راه آهن کشیده و یک بانک

ملی تأسیس و معادن مملکت را استخراج کند و این امتیاز را بیارون جوئیس و رویتر که از رعایای انگلیس بود واگذار نمود ولی بعد از آنکه ناصر دین شاه اروپا رفته و با متخصصین صحبت نمود بقدری بدگویی از آن شنید مخصوصاً در مقامات عالیه مسلو بلکه حتی در خود لندن که هیچ تصور نمی کرد و باین واسطه آن را مانعی نمود.

در سنه ۱۸۸۹ روسیه قرار دادی باشاه بست و شاه متعهد گردید که تاده سال دیگر راه آهن در ایران نکشد و سپس ملت آن تا سال ۱۹۱۰ تمدید گشت.

رویتر در مقابل الغای این امتیاز تعویض از دولت ایران نگرفت ولی شاه بسال ۱۸۸۹ امتیاز بانک شاهنشاهی را باو داد و در این اثنا رقابت بین انگلیس و روس در ایران شدت یافت و سال بسال هم بر شدت آن میافزود زیرا هر یک برای تأیید مصالح و افزونی منافع خود در آن مملکت منتهای جدیت را بخرج می دادند و دولت انگلیس کوشش نمود که راه کشتی رانی و تجارت خارجی در رود کارون مفتوح گردد و با اینکه دولت ایران مقاومت بخرج داد (شاید مقصودش از دولت ایران دولت روس باشد و غلط چاپ شده زیرا کسیکه فوق العاده باین مسئله مخالفت کرد روسیه بود والا دولت ایران بطوریکه از جوابی که ناصرالدین شاه بسفیر روسیه نوشته و در مجله علم و هنر چاپ شده خیلی مایل باین کار بوده است مترجم) معذالک موفق گردید و کشتیهای لنج در رود کارون آمدورفت نمودند.

معروف است که در ایام شیخ خزعل (۱۸۸۱-۱۸۹۷) نواحی محمره برای توسعه دائره تجارت و برای مقاصد دیگری تحت نظارت انگلیس بود و در سال ۱۸۹۷ که مشارالیه کشته شد و شیخی به برادرش شیخ خزعل رسید شیخ خزعل با دولت ایران خوب نبود و باین واسطه در سال ۱۸۹۷ از دولت انگلیس تقاضا کرد که او را تحت الحمايه خود قرار دهد ولی دولت انگلیس تقاضای او را نپذیرفت و فقط

با و وعده داد که سفیر انگلیس در طهران او را همیشه تقویت کند .

در سال ۱۹۰۲ تقاضای تحت الحمايه شدن محمره تجديد شد ولی نظر بمطامه روسيه و آرزوهای سیاسی او دولت انگلیس بسفیر خود در طهران دستور داد که از برای شیخ خزعل تعهد کند که هر مساعدتی لازم داشته باشد دولت انگلیس بوی بنماید . و در سال ۱۹۰۳ این عهد تجديد گردید و در رساله مورخه ۲۷ دسامبر سنه ۱۹۰۲ که سرهاردینک سفیر انگلیس بشیخ خزعل نوشته می گوید « ما محمره را از حملات دریائی هر دولت خارجی بهر بهانه که بخواهد دخالت کند حفظ می نمائیم و مادامی که شما نسبت بشاه مخلص بوده و بمشورت ما کار بکنید ما از شما تقویت میکنیم » این زدو خورد سیاسی بین دولتین روس و انگلیس دوام یافت و روسیه نمایشی در خلیج فارس داده و هیئت اطباء برای معالجه و جلوگیری از طاعون بجنوب ایران فرستاد در سنه ۱۹۰۰ شرکت تجارتي و کشتی رانی روس را تأسیس نموده و کشتیهای شرکت مزبور از اودسا تا بصره بحرکت درآمدند و شعبات بزرگی از آن در در خلیج فارس تأسیس گشت و دولت روسیه نیز باین شرکت کمک مالی می نمود . روسیه می خواست يك مرکز جنگی در خلیج فارس داشته باشد و همین مسئله لورد لندون را وادار باظهار نظریه انگلیس نمود و همان اظهارات را سرا . گیری در ضمن مذاکرات قرارداد روس و انگلیس بسال ۱۹۰۷ تأیید نمود . برای پیشرفت نمود روسیه علل دیگری هم بود که فعلا مجال ذکر آنها نیست و یکی از آن علل دو قرضی بود که روسیه بایران داد .

تصور می کنیم مسافرتی که لرد کرزون در آن ایام بخلیج فارس نمود برای جبران خدماتی بود که بنفوذ ادبی و مادی انگلیس در خلیج فارس وارد آمده بود . مسافرتی که نایب السلطنه هندوستان بسال ۱۹۰۲ بخلیج نمود نیز برای این مقصود نتایج پسندیده داشت زیرا کلیه دسته های کشتی جنای هند شرقی باوی

همراه بودند و این مسافرت برای تأیید بیان لورد لندسدون وزیر خارجه انگلیس در مجلس اعیان صورت گرفت و از جمله بیانات وزیر مزبور عبارت ذیل بود « بدون تردد می گویم که باید ما ایجاد مرکز جنگی و یاندر محکم در خلیج فارس را خطر بزرگی از برای منافع دولت بدانیم ویرما واجب است که با تمام وسایل با آن مقاومت کنیم » این اظهارات مأمورین انگلیسی را در ایران قوت قلب بخشید و ایشان را برای کار چابکتر ساخت :

تأثیر بزرگی که نیابت سلطنت لورد کرزون در هندوستان در این مسئله داشت نیز نباید فراموش کنیم زیرا درایام او قونسولگری های جدیدی در ایران تأسیس و هیئت های تجارتهی بجنوب شرقی ایران اعزام گردید و تجارت انگلیس در آنجا رونق زیاد یافت .

این وسایل جدی سبب شد که تدریجاً نفوذ انگلیس در ایران زیاد گردد در این اثنا جنگ روس و ژاپون پیش آمد و شکست روسیه باعث گردید که نفوذ انگلیس در مملکت ایران بیشتر پیشرفت کند آنوقت روسیه مجبور شد که سیاست خود را در خلیج فارس با انگلیس تغییر دهد .

گفتیم دو قرض که روسیه بایران داد راه سیاست او را در ایران باز کرده و نفوذ او را زیاد کرد ایرانیها می خواستند که قرض اولی را از انگلیس بگیرند ولی بواسطه اختلافی که بین ملتین بر سر انحصار تنباکو و توتون و بانک ایران برای استخراج معادن پیش آمده بود موفق نشدند .

روسیه برای ضمانت قرض اولی خود گمرک های ایران را ( باستثنای گمرک های خلیج فارس ) تصرف نمود و در مقابل قرض دوم شرط کرد که قرارداد روس و ایران اصلاح شده و تعرفه جدیدی از برای گمرک وضع شود و پس از چندی مذاکرات قرارداد تجارتهی نوامبر ۱۹۰۱ بین طرفین منعقد و در دسامبر ۱۹۰۲ تصدیق شد ولی سر این

قرارداد تافوریه ۱۹۰۳ مکتوم ماند و آنوقت بطور ناگهانی میان مردم اعلان شد .  
روسها از تعرفه جدید گمرکی خیلی خرسند و انگلیسها خیلی ناراضی بودند  
زیرا برای منافع ایشان ضرر داشت و در هر صورت این قضیه فتح نمایانی برای سیاست  
دولت شمالی بود .

انگلیسها ناچار بودند که بعد از این قضیه یکی از دوراه را اختیار کنند یا  
اعتراض نموده منتظر فرصت باشند که شاهرا مجبور بجبران آن نمایند و یا  
برای قرارداد جدیدی که دست روسها را از رقابت با ایشان در خلیج فارس به بند  
بادولت شاه وارد مذاکره شوند و ایشان همین مسئله دوم را اختیار کردند .

حالا وقت آن رسیده است که از امتیاز داری سخن برانیم در سال ۱۹۰۱ مسترداری  
برای استخراج نفت عربستان امتیازی از ایران گرفت و بسال ۱۹۰۹ این امتیاز بشرکت  
نفت ایران و انگلیس ( آ . پ . ح . س . ) رسید و این شرکت قراردادی باشیخ  
حمزه بسته و شروع بکشیدن لوله و تأسیس تصفیه خانهها در آبادان نمود .  
بتاریخ ماه مه سنه ۱۹۱۴ دولت انگلیس مقدار زیادی از شرکت مزبور سهم خرید  
و اختلاف فعلی دولتین ایران و انگلیس بر سر همین مسئله است و قریباً ما مقاله جداگانه  
در تاریخ این شرکت و کارهای او خواهیم نگاشت .

در سال ۱۹۰۲ مظفرالدین شاه بانگلستان رفته و انتظار داشت که دولت انگلیس  
نشان زانو بند را که پدرش هم داده بود باو بدهد ولی دولت انگلیس عکس مرصع  
ادوار را باو داد و شاه آنرا رد کرده و با عدم رضایت از انگلستان رفت .

یکی از نویسندگان انگلیس می گوید رجال دربار ایران این مسئله را استخفاف  
باعلی حضرت شاه پنداشتند . برای جبران این قضیه دولت انگلیس در سال بعد هیئتی را  
بایران اعزام و نشان مزبور را برای شاه ارسال داشت .

زدو خود سیاسی بین انگلیس و سایر دول را در ایران از قبیل پرتغال و هلند

وروسیه و فرانسه دیدیم ولی رقابت شدید فقط بین روسیه و انگلیس بود و دولت ایران از رقابت این دو دولت صدمات زیادی دید ولی در عین حال بنفع او هم بود و استقلال او را در ایام ضعف و اختلال امور داخلی حفظ کرد و همینکه میدید یکی فشار آورده بطرف دیگری میرفت و این سیاست را تا امروز حفظ نموده بلکه سیاست جدید دیگری هم اتخاذ کرده و آن اینست که دول دیگری را از قبیل آلمان و بلژیک و امریکا بوسیله استخدام متخصص فنی در مسئله شرکت داده است.

در اوایل قرن بیستم ملت جدیدی در میدان سیاست اروپا و ایران پیدا شد که دولت انگلیس بی اندازه بدان اهمیت میداد و آن ملت آلمان بود زیرا بر اثر کشیدن راه آهن بغداد نفوذ آلمان در شرق وسطی شروع باز دیاد نمود و قرارداد سنه ۱۹۰۲ بین آلمان و ترکیه تصریح میکرد که باید این راه یکی از نقاط خلیج فارس برسد و قبل از آنهم امپراطوری آلمان بوسیله وسائل مختلفه سیاسی و تجاری در صدد بسط نفوذ خود در خلیج فارس برآمده بود مثلاً از سال ۱۸۹۹ کشتی های او در خلیج فارس شروع بآمد و رفت کرده و شرکت وانک هوس تجارتخانه های عمده در شهرهای خلیج فارس تأسیس نمود. در سال ۱۹۰۶ شرکت هامبورگ امریکا لاین کشتی های تجارتی خود را بین اروپا و بصره راه انداخته و وکالت آن را بشرکت وانک هوس واگذار نمود و همین شرکت امتیاز خرید او کسید و دوفر جزیره ابوموسی را گرفت و مطبوعات آلمان نیز از اظهار اهمیت آن خودداری نکردند و در سنه ۱۹۹۳ و ۱۹۱۴ آلمانها بایک جدیدی اسلحه وارد خلیج فارس کردند. در سال ۱۹۰۶ ملت ایران بر ضد دولت استبدادی شورش کرده و مطالبه مشروطیت نمود و اولیای امور ایشانرا تحت فشار قرار دادند و آنها نیز بسفارت انگلیس پناه بردند و عده پناهنده گان به ۱۲۰۰۰ و چیزی میرسید دولت قدرت نداشت که ایشانرا بگیرد و ایشانهم از سفارتخانه بیرون نیامدند تا اینکه مقصود ایشان بر آورده گشته و عین الدوله معزول و مجتهدین را که مشارالیه بقم تبعید کرده بود بطهران بر گردانیدند.

اکنون خوب است از جنگ بین المملی صحبت کنیم: ایران در این جنگ شرکت نکرده و تا آخر بی طرف مانده بمتفقین و متحدین هر دو مجال داد که در اراضی او قشون پیاده کنند، در هشتم ماه او کست سنه ۱۹۱۵ قشون انگلیس بوشهر را تصرف کرده و دولت انگلیس موقتاً یک نماینده عالی (کمیسر) برای آنجا تعیین نموده و اختیار آنجا را تحت اداره او گذاشت و تمبر پست را نیز همان تمبر ایران استعمال کرد ولی این عبارت انگلیسی را بدان افزود (بوشهر تحت تصرف انگلیس) و مجموعه این تمبرها بنظر عشاق تمبر خیلی گران و نفیس است بک قوه نیز برای حفظ مؤسسات نقت باراضی نفت خیز فرستاد.

قوای روسیه که حالا دوست انگلیس شده بود نیز از سمت شمال جلو آمده و حتی بعراق هم نزدیک بلکه وارد خاتقین گردید. شیخ خزعل محمره نیز دوست انگلیسها بود و راه را از برای ایشان باز کرد. پس از آنکه امپراطوری روسیه سقوط نمود ترکها توانستند که از راه کرمانشاه و همدان وارد ایران شده و در مملکت ایران جولان بخورند و پس از اینکه انگلیس بغداد را متصرف گردید قشون او از راه کرمانشاه در ایران جلو رفته و کرند را بیلاق خود قرار دادند و در حقیقت آنجا یک شهر انگلیس نشین گشته و جایگاه زنها و بچه های انگلیسها گردید.

پس از جنگ بین المملی بواسطه مساعی سرپرسی کا کس قرار داد ۱۹۲۰ بین ایران و انگلیس منعقد گردید و در آن زمان شاهزاده فیروز میرزا پسر فرمانفرما وزیر خارجه ایران بود ولی پارلمان ایران با قرارداد مزبور موافقت نکرد.

در سال ۱۹۲۱ بالشویکها قراردادی با ایران بستند صمیمیت و گذشت زیادی در این قرارداد نشان داده و با این ترتیب قرارداد ایران و انگلیس را از میان بردند.

بعد از آنکه اعلیحضرت پهلوی بر تخت خسروان عجم جلوس فرمود هم خود

را صرف اصلاحات سیاسی و اداری و اقتصادی نمود و برای تثبیت وحدت سیاسی و اداری مملکت خود اصول خان‌خانی را ازین برده و یکی از خوانینی که از میان برداشت شیخ خزعل دوست صمیمی انگلیس بود بانک ملی را نیز تاسیس و طبع اسکناس را نیز از بانک شاهنشاهی (که بسرمایه انگلیس‌ها تأسیس شده بود) در مقابل پرداختن مقداری پول گرفته بانک ملی را گذار نمود و آخرین اقدام بزرگ اعلیحضرت بهلوی الغای امتیازنامه داری بود که خود محتاج مقاله علیحده است : اتمهی

### (سحابی استر آبادی)

#### ﴿رباعی﴾

شرطت شکست مرد را و ز خود درست	تا تواند بمعنی خود پیوست
کی ایدکار مرغ از بیضه مرغ	هرچند که بالقوه درو مرغی هست
غم مژده ده وصال جاوید آمد	هرچند طلب بر در امید آمد
در دل گشته خیال او نایب او	چون ماه که شب بجای خورشید آمد
در چشم کسی که آزا کرده و داع	زیاست همه جهان لطیف است اوضاع
دنیا طلیست ذم دنیا کردن	آئین خریدار بود کسر متاع
هرجا عشقت کام و ناکام کجاست	سیمرغ اسیر دانه و دام کجاست
افسانه هر دو کون بر دل خواندم	او مینالد همانکه آرام کجاست
در هر که رسید سیر مستجمل من	جویای و فاشد دل بی حاصل من
هرچند که این متاع در عالم نیست	درد طلبش نمیرود از دل من

### (یا جوج و ما جوج همان تتر و مغول است)

ترجمه نقل از الهلال نگارش طنطاوی جوهری

یا جوج و ما جوج دوامتی هستند که در قرآن شریف در سوره کهف و انبیاء ذکر آنها شده و خدای تعالی در سوره اولی در مساق قصه ذی القربین فرموده است